

## سیمای شهری در گرو به نظمه برخه کسبه

فاطمه شهسواری

گزارش

معضل سد معبر، ابعاد متعددی دارد. نخستین بعد آن، آسیب به نظم شهری است. شهر نه تنها محل سکونت مردم، بلکه ویتترین هویت اجتماعی آنان است. وقتی معابر پر از اجناس پراکنده یا بساط دستفروشان باشد، چهره‌ی شهر زشت، آشفته و بی‌نظم جلوه می‌کند. در چنین شرایطی نه تنها شهروندان احساس آرامش نمی‌کنند، بلکه مهمانان و مسافران نیز ذهنیتی منفی از شهر پیدا خواهند کرد. این ذهنیت می‌تواند در بلندمدت به گردشگری و حتی اقتصاد شهر آسیب بزند.

**سد معبر؛ تهدیدی برای سلامت جسمی و روانی مردم**

بعد دوم، تهدید سلامت جسمی و روانی شهروندان است. پیاده‌روها برای عبور ایمن افراد ساخته شده‌اند. وقتی این مسیرها اشغال شود، عابران مجبور به عبور از خیابان و مسیر خودروها می‌شوند و خطر تصادف به شکل چشمگیری افزایش پیدا می‌کند. بارها شنیده‌ایم که کودکان، سالمندان یا افراد دارای معلولیت به دلیل همین بی‌نظمی دچار حادثه شده‌اند. از سوی دیگر، تردد سخت و آزاردهنده در پیاده‌روها، به مرور سبب نارضایتی عمومی و حتی ایجاد پرخاشگری در روابط اجتماعی می‌شود.

**قانون در برابر سد معبر چه می‌گوید؟**

بعد سوم، جنبه‌ی حقوقی و قانونی موضوع است. سد معبر طبق قوانین شهرداری تخلف محسوب می‌شود. مأموران موظف‌اند در برابر آن ایستادگی کنند و حتی می‌توانند اجناس را جمع‌آوری یا متخلفان را جریمه کنند. با این حال، صرف اخطار یا جریمه تاکنون چندان نتیجه‌بخش نبوده است. دلیل این امر را باید در فرهنگ عمومی و همچنین در نبود نظارت مستمر جست‌وجو کرد. اگر کسبه بدانند که این رفتار نه تنها زشت و ناپسند است بلکه پیامدهای حقوقی و اجتماعی جدی دارد، به مرور زمان از انجام آن پرهیز خواهند کرد.

سیرجان شهری ست که سد معبر در اکثر خیابان‌های اصلی آن پدیده‌ی غالب است. از صنوف خدماتی و تعمیراتی خودرو بگیر تا بنگاه خرید و فروش ماشین و بقالی و میوه‌فروشی و حتا خود مردمی که عادت به پارک ماشین‌شان در پیاده‌رو دارند. کار تا آنجا می‌لنگد که دیگر سیرجانی‌ها قید پیاده‌رفتن را به عنوان یک روش برای رسیدن به مقصدهای کوتاه زده‌اند و ناچار هم که شوند از گوشه‌ی خیابان، طول مسیر را می‌روند که کاری بسیار خطرناک است. اگرچه ماجرا را به شوخی گرفته‌ایم و می‌گوییم یک سیرجانی، سیرجانی‌های دیگر را در یک شهر غریب از روی همین ویژگی پیاده‌رفتن در طول خیابان به جای پیاده‌رو می‌شناسد اما به راستی این کار آن قدری خطرناک است که متأسفانه تا حالا در سیرجان چندین و چند کشته داده است. آن هم با این نوع پارک کردن‌های خودخواهانه که معمولاً گوشه‌های خیابان را هم اشغال و عملاً پیاده‌روی در شهر ما را به یک کار چریکی خطرناک تبدیل کرده است!

اما عجیب آن که با این وجود انگار مردم هم مطالبه‌ای در این خصوص ندارند و قیدشان نیست. و جالب تر آنکه در مواقعی که واحد سد معبر شهرداری هم با این پدیده مبارزه می‌کند، خود شهروندان نیز به خاطر کسب و کار خودشان یا دوست و آشنا، صدای نق و نوق‌شان بلند می‌شود و حامی عامل سد معبر می‌شوند و رسانه‌ها هم این صدای خودخواهی را به عنوان مطالبه‌ی اجتماعی به حق، بلندتر می‌کنند و باز نشر می‌دهند! معلوم است که برخورد جدی با پدیده‌ی سد معبر بدون حاشیه نمی‌شود. به هر حال کاسبی که با دو سه تذکر کتبی و شفاهی از کار اشتباه خودش دست برنمی‌دارد، باید یک جایی قهر و عتاب ببیند که بساطش را جمع کند یا نه؟

اما این جدیت را همشهریان باید از شهرداری بخواهند و افکار عمومی مردم سیرجان باید حامی شهرداری برای رفع این معضل باشند. وگرنه

هرچه باشد این روزها همه یک گوشی هوشمند دارند که قابلیت فیلم برداری دارد. قاعدتاً در چنین شرایطی هم تا که یک مسئول سد معبر بخواهد به یکی تذکر چندین باره بدهد و آن کاسب کم محلی کند و تنش ایجاد شود، از چنین شرایطی فیلم برداری می‌شود و این در دراز مدت بازوی شهرداری را برای برخورد با این پدیده‌ی مزاح شهری، می‌بندد از بیم اینکه باز فیلمی منتشر می‌شود و شرمندگی‌اش می‌ماند برای شهرداری.

اگرچه انتقاد مردم هم به جاست که چرا ندیده‌اند شهرداری به کسبه‌ی صاحب ثروت مثل بنگاه‌های ماشین تذکر بدهد! یا چرا این تذکر فقط شامل خرده‌فروش بی‌چاره می‌شود یا فقط شامل قهوه‌فروشی می‌شود که با گلدان و میز صندلی کمی به پیاده‌رو جان داده و آن را مسدود نکرده؟!!

قانون هم اگر قانون است برای همه باید یکسان باشد و تبعیض در اجرای آن عملاً موجب مرگ قانون می‌شود و بهانه‌ی لازم را به دست همگان برای له کردن آن قانون می‌دهد.

**سیمای شهری در گرو نظم یا بی‌نظمی کسبه**

